



سال دوم، شماره ۳، تابستان ۱۳۹۸

www.qpjournal.ir

ISSN : 2645-6478

رویکردهای قرآنی احمد جام در تعلیم و تربیت با تأکید بر کتاب

مفتاح النجات

ریحانه صادقی^۱

دکتر عباس محمدیان^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۲۶

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۰۳/۰۲

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی رویکردهای قرآنی احمد جام نامقی (۵۳۶-۴۴۰) در تعلیم و تربیت با توجه به کتاب *مفتاح النجات* اختصاص دارد. این نوشتار با روش تحلیلی- توصیفی در پی آن است تا با نگاهی تازه به معرفی جنبه دیگر این اثر کهن عرفانی بپردازد. این مقاله پس از ذکر آموزه‌های دینی و تعلیم و تربیتی مورد نظر احمد جام به بیان تعبیر و رویکردهای قرآنی شیخ در مورد نکات مربوط می‌پردازد. برآیند تحقیق نشان می‌دهد که مصنف بر آن است تا پندها و مواظت تربیتی خود را با استناد به معارف و آموزه‌های قرآنی و دینی به طریقی سهل و ساده و به دور از اصطلاحات و تعبیر عرفانی، که برای گروهی خاص قابل درک است، به مخاطب القا کند، ضمن آن که گاه به تفسیرهای خاصی از آیات می‌پردازد که حاوی تأملات اوست و بدین صورت اندیشه‌های خود را در لفاف همین آموزه‌ها و تعلیم دینی به مخاطب القا می‌کند، چنان که گاه او را وادار به پذیرش این سخنان می‌نماید. تبعیت از شریعت نبوی، اقامه نماز، تلاوت قرآن کریم، ترک حب دنیا، مصاحبت با نیکان، تربیت نفس همه از تعلیم ارزشمندی است که در پرتو توبه خالصانه برای رهروان وادی سیر و سلوک در کتاب *مفتاح النجات* سایه افکنده است.

واژگان کلیدی: مفتاح النجات، احمد جام، قرآن کریم، تعلیم و تربیت.

مقدمه

احمد ابن ابوالحسن جامی نامقی ترشیزی (۵۳۶-۴۴۰) ملقب به «ژنده پیل» و القابی دیگر هم چون معروف به «شیخ جام»، «شیخ الاسلام»، «پیر جام»، از صاحب‌دلان بلند پایه و مشایخ زنده‌دل روزگار است که در روزگار

^۱ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه حکیم سبزواری // roohafza90@yahoo.com

^۲ دانشیار دانشگاه حکیم سبزواری // mohammadian@hsu.ac.ir



سلجوقیان در روستای نامق (از قراء ترشیز) خراسان در خاندانی اصیل از نژاد عرب پا به عرصه وجود نهاد. سلسله نسبش به جریر بن عبدالله بجلی، صحابی معروف پیامبر اسلام (ص)، می‌رسد. بدین سبب از وی گاهی به «احمد بجلی» یاد کرده‌اند و به مناسبت زادگاهش «نامق» او را هم‌چنین «احمد نامقی» و پس از انتقالش به «جام»، «احمد جام نامقی» خوانده‌اند (احمد جام، ۱۳۷۳: مقدمه مصحح). احمد جام پس از توبه خویش در سن بیست و دو سالگی و پس از هجده سال ریاضت و عزلت و تعمق در احوال مقامات بزرگان پیشین، آثار ارزشمند و درخوری از خود به جای گذاشت که هر کدام شهرت خاص دارد. این نوشته‌ها عبارتند از: *انس التائبین*، *سراج السائرین*، *روضه المذنبین*، *مفتاح النجات*، *بحار الحقیقه*، *کنوز الحکمه*، *رساله سمرقندیه* و دیوان شعری که به وی منسوب است.

احمد جام کتاب *مفتاح النجات* را در سن هشتاد و دو سالگی و به مناسبت توبه فرزندش، خواجه نجم‌الدین ابوبکر، در یک جلد و یک مقدمه، و در هفت باب و دو فصل آورده‌است. این کتاب با متنی صوفیانه و با شیوه استادانه و توصیف نکات دقیق عرفانی و اخلاقی با بیانی نزدیک به لهجه محاوره موافق با ذوق همگان به نگارش درآمده، با طرح بحث‌های دلاویز در معارف و تعالیم صوفیه (موحدی، ۱۳۷۴: ۳۴۷) و نتیجه‌گیری مطلوب از آن‌ها حاوی باریک‌ترین اندیشه‌های عارفانه و از هنرهای شگرف احمد جام در این تصنیف است. موضوع کتاب بر بیان اعتقادات اهل سنت و روش محققان و سیرت سالکان کوی حق است. مباحثی کلی در شیوه تائیان و کیفیت امر و نهی و کسب و کار علم‌آموزی در این کتاب آمده است (احمد جام، ۱۳۷۳: ۲۳). این اثر همچون *انس التائبین* آرای او را در مسایل طریقت تبیین می‌کند و سادگی بیان آن‌ها تأثیر خاصی در خواننده می‌بخشد (زرین کوب، ۱۳۹۳: ۸۳).

رویکرد نویسندگان در پژوهش حاضر به جنبه‌های تعلیمی و تربیتی اثر با توجه به بهره‌گیری مصنف از آیات قرآن کریم است. *مفتاح النجات* به لحاظ اشتغال بر آیات به گونه‌ای است که نزدیک به نیمی از سوره‌های قرآنی (۴۶ سوره) را در خود جمع دارد. بیش از نود آیه در این اثر به صورت تضمین و اقتباس کاربرد دارد که برخی بنا بر مناسبت موضوع، به تکرار از آن سخن رفته است. «اشتمال آثار وی بر آیات محکمت و بازتاب مباحث الهیات در آن‌ها، تضمین استادانه اخبار و روایات سید مختار و ژرفکاوای در معانی و مفاهیم آن‌ها، استناد به اقوال و آرای مفسران بزرگ» (فاضل، ۱۳۷۳: ۷۳) از ویژگی‌های نثر این کتاب است.

احمد جام همچون ابوسعید توجه به تربیت عوام را به خوبی مد نظر قرار می‌داد. می‌توان او را چون ابوسعید، شیخی مردم‌دوست و عاشق اصلاح و تزکیه آنان دانست، با این تفاوت که ابوسعید در بساطت و گشادگی و تساهل بیش از شیخ جام عمل می‌کرده است و آموزه‌هایش بیش‌تر میدانی و در کوچه و بازار بوده است. هرچند پیر جام باب توبه را بر گناهکاران باز می‌داند و با ذکر گزارش احوال توبه‌کنندگان با ترغیب بزهکاران، آنان را به بازگشت به



سوی خدا دعوت می‌کند، با این وجود، سخت‌گیری و التزام شدید وی به قرآن و سنت و شریعت، کلام وی را در پرده‌ای از تحذیر و هشدار و اخطار قرار می‌دهد، به طوری که گاه ترک شریعت را «اگرچه یک‌بار» برای انسان جایز نمی‌داند و مستمعان را امر به دوری از صحبت این چنین افراد می‌نماید (ر.ک. احمد جام، ۱۳۷۳: ۱۶۶). متابعت از شرع مقدس، برپایی نماز در اول وقت، ذکر خداوند و تلاوت قرآن کریم، ترک حبّ دنیا، مصاحبت با نیکان، تربیت نفس همه از تعالیم ارزشمندی است که در پرتو توبه نصوح برای رهروان وادی سیر و سلوک در کتاب **مفتاح النجات** سایه افکنده است که ما در این نوشتار بدان اشاره خواهیم داشت.

بیان مسأله

توجه و سعی در امر تعلیم و تربیت در تصانیف مختلف احمد جام بارز است، اما این موضوع که وی را در برخی منابع، خطیبی متعصب و سخت‌گیر معرفی نموده‌اند، این شایبه را به ذهن می‌آورد که وی چگونه قادر بوده مخاطب را بی‌رماندن از دین و سنت و با التزام به آیات قرآن به این امر پای‌بند کند، با آن که خود نیز در دوره‌ای از حیات خویش در عهد نوجوانی به بیراهه می‌رفته است؟ با بررسی نحوه گزینش و کاربرد آیات قرآن کریم در **مفتاح النجات** این مسأله روشن می‌شود که شیوه تعلیم و موعظه وی نسبت به جاهلان و عوام با راهزنان دین و صوفی‌نمایان متفاوت بوده است. همچنین آشکار می‌شود که احمد جام در استناد به آیات مختلف قرآن کدام گزاره‌های تربیتی را مدنظر قرار داده است؟

اهمیت و ضرورت پژوهش

بررسی نگاه و نگرش احمد جام در کتاب مورد پژوهش ما، به جهت شناخت و دستیابی به نوع بهره‌برداری مصنف از کاربرد آیات قرآن در امر تعلیم و تربیت مخاطبان و گاه دریافت‌های خاص تفسیری و تأویلی وی در این اثر کار تازه‌ای است که می‌تواند در جهت فهم و تبیین دریافت‌های دیگر نویسنده از آیات قرآن، سودمند افتد.

پیشینه پژوهش

آنچه در بدو امر در برابر دیدگان هر پژوهشگر قرار می‌گیرد تحقیقات علی فاضل بر آثار شیخ جام در کتاب **شرح احوال و نقد و تحلیل آثار احمد جام** (۱۳۷۳) است. مدنی در رساله خود با عنوان **بررسی آثار و اندیشه‌های شیخ احمد جام** (۱۳۹۱) و نیز بهمنی مطلق و خدادادی در «تحلیل افکار و معرفی آثار شیخ احمد جام» (۱۳۸۹: ۱۱۵-۱۳۶) به تبیین اندیشه و آثار شیخ روی آورده‌اند. برخی پژوهش‌ها نیز به بررسی تشابهات عرفانی و تفسیری آثار وی با آثار پیشین اختصاص یافته که به لحاظ شناخت اندیشه‌های تأویل‌گرایانه شیخ در خور توجه است (مدنی، ۱۳۹۳: ۱۲۳-۱۴۱). کارهای مشابهی در آثار دیگر عارفانی چون روزبهان بقلی در زمینه بررسی و تحلیل آیات و احادیث انجام شده است (پورنامداریان و رستاد، ۱۳۹۲: ۷-۲۸). با وجود این، تاکنون **مفتاح النجات** به طور



خاص در زمینه رویکردهای تربیتی بر اساس آموزه‌های قرآنی شیخ جام بررسی و بازنگری نشده است. این مقاله می‌تواند تا حدودی بخشی از نگرش دینی و عرفانی و نیز طریقه تبیین و تعلیمی او را روشن نماید.

بحث

شیوه‌های بهره‌گیری از آیات قرآن در مفتاح النجات

ابزار شیخ جام برای تفهیم سخن به مخاطب و تصدیق آن، آیات قرآن است، اما وی با آن که سوی کلامش آیات و روایات است، زبانی ساده و روان را با وجود آن که نسبی عربی-یمنی دارد، به قصد پند و اندرز و موعظه برمی‌گزیند؛ نه همچون زبان روزبهران بقلی پیچیده و پرتصویر و متنوع.

در نیمه اول قرن ششم نیز نویسندگان تحت تأثیر زبان و ادبیات عربی با نگارش آثار خود اندک اندک به تکلف روی می‌آورده‌اند؛ اما شیخ جام با وجود کاربرد بسیار آیات قرآن و کلام نبوی و ائمه (ع)، در مواردی خاص آن هم زمانی که به طرح مسایل و مباحث عرفانی و یا شرح و تفسیر آیات و احادیث می‌پردازد و عرصه سخن را فراخ می‌یابد دست به گزینش لغات عربی ساده و روان می‌زند و در بقیه موارد در خطابه‌ها و وعظ و بیان داستان و حکایات و مخاطب‌ها، کلامش رنگ و بوی نثر دوره سامانی (سبک خراسانی) را به خود می‌گیرد (خدایور و خدادادی، ۱۳۹۱، ص ۱۲). طریقه و شیوه نوین پیر جام در سراسر *مفتاح النجات* استفاده از آیاتی است که پیام امید و بشارت برای تابیان و گناهکاران در خود دارد. این نکته‌ای است که احمد جام را آن‌طورها هم که در امر به معروف فوق العاده خشن و سخت‌گیر می‌دانسته‌اند (زرین‌کوب، ۱۳۹۳: ۸۲)، نشان نمی‌دهد. برای نمونه، در باب سوم پس از آن که مخاطب را از هواپرستی برحذر می‌دارد و تن فرمان بر شیطان را بر اساس آیات و روایات به کلب (سگ) و نیز سایر مردم را -که رنج تعلیم بر خود هموار نکنند- به همج (خرمگس) مانند می‌کند برای هشدار به مخاطب، از جملات نفی مفید تنبیه و تحذیر به جای جملات نهی و خطابی بهره می‌گیرد: «...تا از آن جمله نباشی که گفت: *وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ*» (احمد جام، ۱۳۷۳: ۱۱۱). این طرز بیان نشان از ظرافت و بلاغت کلامی خطیبی دارد که مراقب است در تعلیم و ارشاد دیگران جانب ادب را نیز نگه دارد. وی در ارشادی دیگر با جملاتی مثبت که مفید تشویق و ترغیب است، می‌گوید: «...تا از آن قوم باشی که می‌گوید: *«إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهْرٍ. فِي مَقْعَدٍ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ*» (قمر: ۵۴ و ۵۵)، (احمد جام، ۱۳۷۳: ۱۷۵). گاه خود را نیز با مخاطب با عبارات «ما و تو» همراه می‌کند (ر.ک. احمد جام، ۱۳۷۳: ۱۵۱) تا بگوید انسان خطاکار است و باب توبه بر او گشوده است. احمد جام در تعلیم و تربیت برای تفهیم مطلب در جان و روان مخاطب به روشی دست زده که کمتر عارفی بدان روی آورده است و آن «خوداتهامی» است به گونه‌ای که شیخ خود را با مخاطب یکسان دانسته و خود را نیز در معرض اتهام قرار داده است (ر.ک. بهمنی مطلق و خدادادی، ۱۳۸۹: ۱۲۶)؛ مثلاً در باب ششم در نهی از متابعت نفس بر آن است: «...این تمام احمقان که ماییم! که این می‌کنیم و این خریم و این جوییم و بدین پی بریم» (احمد جام،



۱۳۷۳: ۱۶۷). این چنین لحن آرام و نگرش مشفقانه و به دور از هرگونه تظاهر و غوغای پرآشوب مریدبازی متصوفانه، مخاطب را در روی‌آوری به صلاح و نیکی کارسازتر است.

شیخ، مبنای تصوف و موعظه را بر پایه مفاهیم آیات الهی در سیر کلام به دست می‌گیرد. گویی مضامین آیات را از پیش در ذهن وقاد خود مهیا دارد و با تکیه بر آن به تعلیم و موعظه و ارشاد مخاطبان می‌پردازد. انگیزه شیخ، چنان‌که در مقدمه اثر بدان اشارت داشته، یادکرد وی به دعای خیر و نیز نجات گرفتاران در بند هوا و بدعت است؛ چنان‌که می‌نویسد:

هر که برخواند، ما را به دعای خیر یاد دارد که مقصود از جمع کردن این کتاب، دعای مسلمانان است تا باشد که یک مسلمان که در دست هوا و بدعت مانده باشد از آن رهایی یابد و دعای خیر بر این گناهکار کند تا حق - تعالی - بر وی و بر ما رحمت کند (احمدجام، ۱۳۷۳: ۷۲).

او در بیداری و نباهت غافلان تلاش می‌کند و همواره رسم ادب و احترام را، که در پرتو قرآن و سنت بدان رسیده، حتی در کلام و تعلیم و ارشاد به کار می‌گیرد. با بررسی این اثر، چنین معلوم می‌شود که پیر جام آن‌گاه که روی به مخاطبان دارد، خود را نیز در سخن همراه آنان مورد خطاب قرار می‌دهد، اما در تقابل با مدعیان جاهل مردم‌فریب و به تعبیر دیگر وی، «دزدان دین» و «نابکاران» و «هرجاییان» «ناتراشیده‌روی» (احمدجام، ۱۳۷۳: ۱۹۴)، بی‌محابا تازیانه سخن را فرومی‌آورد.

مفتاح النجات چنان‌که مصنف بر آن است با رویکردی تعلیمی - تربیتی نگاشته شده است (احمدجام، ۱۳۷۳: ۷۲). وی در این نگاه و نگرش برای اثبات عقاید و مواظ خود از آیات و احادیث استفاده می‌کند و معمولاً پس از آیه به ذکر حدیث نبوی و سپس به ترجمه و شرح آن می‌پردازد. به گفته سیوطی، در ظاهر تفسیر به حدیث تکیه‌داشتن موجب می‌شود که مفسر از افتادن به اشتباه محفوظ بماند. سپس فهم و استنباط وسعت می‌یابد. نباید پیش از استوارکردن ظاهر، رسیدن به باطن طمع شود و هرکس ادعای فهم اسرار کند، در حالی که هنوز تفسیر ظاهر را به درستی نشناخته‌باشد، هم‌چون کسی است که مدعی می‌شود به وسط خانه رسیده در حالی که هنوز از در نگذشته‌باشد (سیوطی، ۱۳۸۲: ۵۸۲). این مطلبی است که شیخ جام نیز در مقدمه کتاب به کار می‌گیرد و با استناد به سخن پیامبر (ص) قول خود را استحکام می‌بخشد و آن را غنی و سرشار از معارف می‌نماید. از این روی از ذکر حدیث طولانی هم ابایی ندارد (احمدجام، ۱۳۷۳: ۸۶)؛ چرا که غرض آن است که موافق قول خدا و رسول (ص) عمل شود (احمدجام، ۱۳۷۳: ۱۱۳). شیوه معمول وی پس از ذکر متن عربی حدیث، آوردن ترجمه فارسی آن است. این که پس از ذکر آیه یا حدیث به برگردان فارسی آن هم نظر دارد، چند نکته را خاطر نشان می‌کند: یکی توجه به فهم عوام برای درک آسان معارف و با هدف موعظه‌گری چنان‌که خود بدان اشارت کرده‌است (احمدجام، ۱۳۷۳: ۶۳) و دیگر، بیانگر توجه شیخ است به ظاهر کلام و آیات. افزون بر آن در شرح و گزارش برخی



از آیات رنگ و بوی تأویل و تفسیر هم رخ می‌نماید. احمد جام در آثار دیگر خود، ضمن اعتقاد به این که قرآن هزار تفسیر دارد، تصریح کرده که تفاسیر گفته شده از آیات هیچ‌یک، بکر و اصیل نیست (مدنی، ۱۳۹۳: ۱۲۸، به نقل از بحارالحقیقه، ۱۳۸۹). این سخن، گفته سهل بن عبدالله را به خاطر می‌آورد که:

اگر خداوند بر هر حرف قرآن هزار نکته به بنده بیاموزد فهم نکات یک آیه قرآن برای بنده به پایان نخواهد رسید، چه، قرآن کلام خداست و کلام او ویژگی خود او را دارد... هر کس به میزانی که خداوند دل اولیای خود را گشاده باشد از طریق او در خواهد یافت... (سراج طوسی، ۱۳۸۲: ۱۲۴).

البته نباید سخنان تأویل‌گرایانه صوفیه را نتیجه عدم توجه به ظاهر پنداشت، بلکه معناگرایی آنان هم به ظاهر و هم به باطن خواهد بود. «برای مفسران عرفانی اهمیت داشت که ثابت کنند تفسیر باطنی آنان مابینتی با صورت لفظ و ظاهر آیات ندارد» (مشرف، ۱۳۸۴: ۱۱۲). این نوع توجه و نگرش به ظاهر آیه مد نظر عرفا هم بوده‌است، اما اینان همواره بر این نکته تأکید داشته‌اند که ذوق ظاهر کلام و حیانی و فصاحت الفاظش آنان را در معرض عادت‌زدگی و روزمرگی گرفتار نکند. به گفته عین‌القضات اهل قرآن جمال قرآن را با به‌درآمدن از عادت‌پرستی و گذر از پوست و حروف و کاغذ و سطور می‌یابند، چنان‌که «چون مَقْرَى به وَ عِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ رسید به معانی قرآن برسد، و جمال پرتو قرآن، او را چنان از خود محو کند که نه قرآن ماند و نه قاری و نه کتاب» (عین‌القضات همدانی، ۱۳۷۰: ۳).

آن‌چه که احمد جام چنان با شور و حرارت برای به اثبات‌رساندن سخنان خود دارد، ریشه در اعتصام و تمسک وی به آیات و احادیث و سنت شریف نبوی دارد تا بدین وسیله بندگان عاصی را سر بر خط فرمان «الله» کند. آن‌گونه که صاحب‌دلان، ذیل شریفه «وَ ذَكَرَ فَإِنَّ الذُّكْرَى تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ» چنین تعبیر می‌کنند که: «تو دام رسالت و دعوت بنه، آن‌کس که صید ما با شد دام ما خود داند، و در بیگانگان مرا خود هیچ طمعی نیست» (عین‌القضات همدانی، ۱۳۷۰: ۱۶۸).

انس و پیوند آیات با ذهن و ضمیر عارفان نشان از پیوند درونی و دیرینه آنان با معنا دارد. احمد جام نیز مضامین آیات را از پیش در ذهن وقاد خود مهیا دارد تا در پرتو آموزه‌های تربیتی و تعلیمی از آن به روشنی بهره‌مند گردد. براین پایه، پیوند درونی عرفا با قرآن و حدیث تنها بیان آراستگی ظاهر کلامشان به آن نیست، بلکه آمیختگی واقعی آن با ذهن و ضمیرشان است (حاجی محمدی و سرامی، ۱۳۹۳: ۱۱۰).

در ادامه سخن با بررسی رویکردهای قرآنی احمد جام در رایه مفاهیم دینی و تعلیم و تربیتی روی می‌آوریم.

توبه

شیخ جام در باب سوم کتاب به بیان اهمیت توبه و راه و طریق آن اشاره دارد و آن را بزرگ‌ترین و مهم‌ترین کار می‌داند: «هر که کاری می‌کند، چون خلل آن بدید، توبه بر وی واجب آمد و اگر توبه نکند بر خویشستن ستم



کرده‌است» (احمد جام، ۱۳۷۳: ۹۷). از منظر وی، اصل توبه در پشیمانی به دل و عذر به زبان و تن و بازایستادن از گناه است. او با ذکر احادیث و حکایت توبه فضیل عیاض مخاطب را به این عمل ترغیب می‌کند؛ اما ذکر دو آیه و دریافت خاص وی از آن در این باره قابل تأمل است: یکی واژه «يَتَّقُونَ» در آیه ۶۳ شریفه یونس به معنای «توبه» و دیگر واژه «نَصُوحًا» در آیه ۸ سوره تحریم که آن را بدون توجه به معنای لغوی واژه، به نام شخص تعبیر کرده‌است. در ادامه به شرح این دو مورد روی می‌آوریم.

تقوا در معنای توبه

احمد جام در شرح و ترجمه واژه «يَتَّقُونَ» در آیه ۶۳ شریفه یونس: «الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ»، علاوه بر معنای پرهیز از معاصی که مورد نظر مفسران نیز بوده‌است، مفهوم و معنای «توبه» را نیز در نظر گرفته‌است. وی پس از ذکر بخشی از آیه، شرح و برگردان فارسی آن را که متضمن شرح و دریافت خاص اوست، چنین می‌آورد:

«الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ». آن کسانی که به ما ایمان آوردند، و هر چه نه کار ما بود و نه رضای ما از آن پرهیز کردند و با ما گردیدند، یعنی توبه کردند لَهُمُ الْبُشْرَى...» (احمد جام، ۱۳۷۳: ۱۰۳). چنین گزارشی از آیه، توجیهی است در بیان معنای واژه «يَتَّقُونَ» که مصنف آن را به «توبه» تأویل می‌کند. سپس به ذکر کامل آیه بدون برگردان فارسی می‌پردازد که ظاهراً انگیزه شیخ جام، روشننگری معنای خاص واژه در آیه بوده‌است.

درست است که نظر احمد جام با دیدگاه مفسرانی که واژه «يَتَّقُونَ» را در معنای «آزرم داشتن» و «پرهیزگاری» (میبدی، ۱۳۶۱: ج ۴/۳۰۴ و ج ۷/۲۲۰) و «وقایت» (ابی‌السعود، ۱۴۱۱: ج ۴/۱۵۹) گرفته‌اند، همسویی دارد، اما تأویل آن را به «توبه» باید دریافت خاص شیخ دانست؛ چرا که تا آن جا که بررسی شد، در تفاسیر موجود و دسترس بدان اشاره‌ای نشده‌است و به جهت اتفاق نظر در تفسیر معنای این واژه، بیشتر تأملات مفسران در باب آیه قبل؛ یعنی معیار و مصداق اولیاءالله (سیوطی، ۱۴۰۴: ج ۳-۴/۳۰۹)، صورت گرفته‌است همان‌طور که سوراآبادی نیز همه مؤمنان مخلص را که از کفر و نفاق پرهیز می‌کنند، اولیای خدا می‌داند (سوراآبادی، ۱۳۸۱: ۱۰۲۳) و ابن کثیر معتقد است: «فَكُلُّ مَنْ كَانَ تَقِيًّا كَانَ وَلِيًّا» (ابن کثیر، ۱۴۰۷: ج ۲/۴۳۸).

توبه نصوح

شیخ، در بیان شرایط توبه، ذیل آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا» (تحریم: ۸) با نظر و اشاره به تفسیر ابوبکر سوریانی (سوراآبادی) چنین می‌گوید که: «ای آن کسان که ایمان آورده‌اید و مرا به خدایی پسندیده‌اید با ما گردید؛ یعنی توبه کنید چون توبه نصوحا» (احمد جام، ۱۳۷۳: ۱۰۳).

چنان که معلوم است، مصنف واژه «نصوحا» را با نظر و اشاره به تفسیر سوریانی بر شخصی «نصوحا» نام، دلالت آورده که از راهزنی توبه‌ای به صدق و دل می‌کند. سپس چنین گفته که: «خدای - تعالی - ما را گفت توبه



چنین کنید که نصوحا کرد و هر خصم که خشنود می توانی کرد، خشنود کن. باقی که بماند من از خزانه کرم خود خشنود کنم» (احمد جام، ۱۳۷۳: ۱۰۴). اگر چه سورآبادی نیز در تفسیر خود این داستان را با فعل «گفته اند» آغاز می کند و استناد محکم و متقنی بر حکایت مذکور به دست نمی دهد، با این توصیف، وی درباره اشتقاق و معنای لغوی «نصوح» و تفسیر آن موافق نظر مفسران - که آن را در معنای «خالص و ناب» گرفته اند - نیز سخن رانده است (سورآبادی، ۱۳۸۱: ج ۴/ ۲۶۳۹) و جای شگفتی است که شیخ جام بدان اشاره ای نکرده است. غالب مفسران، بی آن که به چنین داستانی استناد کنند، «نصوح» را صفت توبه کارانی دانسته اند که با توبه ای خالصانه با هموار کردن مشقات راه آن، نفس را پالوده می کنند (الفیض الکاشانی، ۱۴۰۲: ج ۵/ ۱۹۶؛ طباطبایی، ۱۳۸۵: ج ۱۹/ ۵۷۳؛ ابن عباس، بی تا: ۴۷۷؛ زمخشری، ۱۳۸۹: ج ۴/ ۶۹۵؛ ابی السعود، ۱۴۱۱: ج ۳/ ۲۶۸؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷: ج ۴/ ۴۱۸).

نماز اول وقت

اگرچه نماز بنا بر صورت ملکوتی آن دارای وحدت و بساطت است که هر چه به افق کمال نزدیک تر شود، وحدتش کامل تر خواهد شد؛ اما به حسب صورت ملکی آن، ترکیبی است از اوضاع و هیئات و اذکار و قرائت و ادعیه (خمینی، ۱۳۷۸: ۱۳) که در حرکتی عابدانه و عاشقانه در برابر معبود، تجلی گاه نیاز و خاکساری مخلوق در برابر خالق است. اوج این حرکت اسرارآمیز در شهود خداوند نهفته است. بنابراین، برپایی آن در وقت خود نیز یکی از شرایط و آداب نماز به شمار می آید.

احمد جام با تکیه بر آیه «حَافِظُوا عَلَی الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى» (بقره: ۲۳۸) ترکیب «الصَّلَاةِ الْوُسْطَى» را محافظت بر نماز اول وقت تفسیر کرده، با استناد به این آیه می نویسد: «چون وقت نماز درآید به اول وقت برخیزد و ساز نماز کند» (احمد جام، ۱۳۷۳: ۱۰۸). در این آیه گرایش به تأمل در فعل امری و کنشی «حَافِظُوا» و عدم ذکر نکته تفسیری در ترکیب «الصَّلَاةِ الْوُسْطَى» - که از مباحث اختلافی و چالش برانگیز میان مفسران بوده است - این نکته القا می شود که نگاه احمد جام در تفسیر آیه، بیش تر صبغه تربیتی و عمل گرایانه برای مخاطبان و عوام دارد تا آن که متمایل باشد خواص را با بحث های نظری بدان مشغول دارد.

تشویق به تلاوت قرآن

احمد جام در باب چهارم مفتاح النجات پس از بیان نکاتی ارزشمند در نگاه داشت فرمان الهی و استقامت در راه آن با انتقاد از گروهی که با تلبیس های شیطانی سعی در اغفال مردم دارند، به اهمیت تلاوت قرآن کریم اشاره کرده و با تأکید بر آیه «فَافْرَأُوا مَا تَبَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ» (مزمّل: ۲۰)، آن را در جهت آرایه نظر خود در رد و طعن به بیت خوانانی دانسته است که در مجالس سماع خود باعث وزر و وبال مسلمانان شده اند و پا از دایره شریعت بیرون نهاده اند. مصنف این چنین به تفسیر و توضیح آیه می پردازد: «فَافْرَأُوا مَا تَبَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ». گفت: قرآن برخوانید در



نماز آن چه شما را آسان تر باشد. نگفت که سرود برگویید آن چه شما را خوش تر آید» (احمد جام، ۱۳۷۳: ۱۴۰). در این که منظور از این آیه چیست، میان مفسران گفتگو بسیار است؛ جمعی آن را به خواندن قرآن در اثنای نماز شب تفسیر کرده‌اند و عده‌ای دیگر تلاوت قرآن را مطمح نظر قرار می‌دهند، هر چند در بین نماز نباشد (سورآبادی، ۱۳۸۱: ج ۴/ ۲۷۱۲؛ زمخشری، ۱۳۸۹: ج ۴/ ۷۹۰؛ مکارم، ۱۳۸۴: ج ۲۵/ ۱۹۹). در یافت احمد جام نیز نزدیک به نظر مفسرانی است که در شرح آیه، تلاوت قرآن را در نماز تو صیه می‌کنند. او در ادامه، دلیل خود را در ردّ سرود و غزل، بازنمایانده و از گروهی که به جای خواندن قرآن و اخبار با بیت خوانی مراد خود را خداوند می‌نامند، انتقادی طعن‌آمیز کرده و این سخنان را برخی کفر و برخی تشبیه نامیده‌است (احمد جام، ۱۳۷۳: ۱۷۰):

چرا از قرآن و اخبار و حکمت حکما و وعظ واعظان دست بیاید داشت و سرود رخ و زلف و خال جانان باید گفت که ما را از این راه می‌گشاید؟ اینت تمام احمقان که ماییم! که این می‌کنیم و این خریم و این جوییم و بدین پی بریم» (احمد جام، ۱۳۷۳: ۱۶۷).

شیخ در ادامه، با استناد به خبری از پیامبر (ص) که ضمن آن به آیه ۵۱ شریفه عنکبوت هم اشارت نموده، حماقت تام را شامل اقوامی می‌داند که جز از کتاب و سنت به چیزی دیگر بگروند. این سخن پیامبر (ص) که احمد جام به صورت «کَفَى بَقَوْمٍ حُمَقًا أَنْ يَرْغَبُوا عَمَّا جَاءَ بِهِ نَبِيُّهُمْ إِلَى شَيْءٍ غَيْرِهِ أَوْ كِتَابٍ غَيْرِهِمْ» در *مفتاح النجات* ذکر می‌کند، با اندک تغییراتی و به شکل «کَفَى بِهَا حِمَاةُ قَوْمٍ، أَوْ ضَلَالَةُ قَوْمٍ» و یا «أَنَّ أَحْمَقَ الْحُمَقِ وَأَضْلَّ الضَّلَالَةِ قَوْمٍ...» در کتب تفسیری نیز آمده است (سیوطی، ۱۴۰۴: ج ۵/ ۱۴۸؛ ابی‌السعود، ۱۴۱۱: ج ۷/ ۴۴) و بیان می‌دارد که خواندن قرآن که نظمش همه اعجاز و لفظش فصیح و عبارتش بلیغ است و حامل امر و نهی و اخبار و سخنان بسیار است، انسان را از خواندن کتب دیگر بی‌نیاز می‌کند و خود بسنده است (ابن کثیر، ۱۴۰۷: ج ۳/ ۴۲۸؛ ابن عباس، بی تا: ۳۳۶؛ سورآبادی، ۱۳۸۱: ج ۳/ ۱۸۶۸؛ میبیدی، ۱۳۶۱: ج ۷/ ۴۰۷؛ طبرسی، ۲۵۳۶: ج ۱۹/ ۷۷).

شیخ جام با عنایت به آیه «أَوَلَمْ يَكْفِهِمْ أَنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ يُتْلَى عَلَيْهِمْ» (عنکبوت: ۵۱)، این گونه نتیجه‌گیری نموده که: «عظیم تازیانه‌ای است که ما را زده‌اند. خاصه این قوم را که دعوی می‌کنند که ما را از این ابیات چیزها روی می‌نماید در راه خدای -تعالی- که از قرآن می‌نماید» (احمد جام، ۱۳۷۳: ۱۶۸).

لزوم التزام به شریعت در کارها

آموزه‌های تربیتی احمد جام، بیشتر مبتنی بر شریعت است و از این حیث به طریقه امام قشیری و پیر هرات نزدیک‌تر است (زرین کوب، ۱۳۹۳: ۸۲). او در باب هفتم کتاب که به صفت ارباب حقیقت و راه صدیقان و ابدالان اختصاص دارد، توجه خواننده را به نکات اخلاقی و تربیتی فراوانی در زمینه دوری از حبّ دنیا و زهد و کسب صفات نیک و آراسته جلب می‌نماید. او در این فصل نیز با بهره‌گیری از آیات ۵۴-۵۵ این گونه به مخاطب القا می‌کند که چون به فرمان الهی عمل کند و نه به فرمان دیومردم، از آن قوم خواهد بود که فرمود: «إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي



جَنَّاتٍ وَنَهْرٍ فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِكٍ مُّقْتَدِرٍ»؛ سپس با احادیث و اخبار دیگر به تکمیل سخن خود می‌پردازد (احمد جام، ۱۳۷۳: ۱۷۷). با وجود کاربرد فراوان عبارات عربی در متن، مصنف با زبانی ساده و رویکردی تعلیمی از آیات قرآن در تلاش بوده‌است تا مخاطب را بی‌رماندن از پندهای خشک و معمول واعظانه، به توبه و کار نیک تشویق نماید. کاربرد عبارات عاطفی در وجه منادایی در آغاز جمله به شکل «برادران، دوستان، عزیزان، فرزندان من» در سراسر کتاب (احمد جام، ۱۳۷۳: ۱۳۸، ۱۸۳، ۱۳۶، ۱۶۶، ۱۷۵ و...) نشان از اشتیاق مصنف در هدایت و نصیحت خواننده دارد. او تمسک به قرآن کریم و اخبار را تنها راه نجات و کلید رستگاری بشر دانسته‌است (احمد جام، ۱۳۷۳: ۱۸۵).

استناد دیگر شیخ در این بخش را باید در آیه ۳۹ شریفه نور جست. در این آیه اعمال کفار به سرابی در زمینی هموار مانند شده که شخص تشنه آن را آبی می‌پندارد، اما چون بدان رسید جز سراب چیزی نمی‌یابد. پیر جام طبق روال سخنان مشفقانه و موعظه‌گرانه خویش ابتدا با مقدمه‌ای در سفارش به مخاطبان خود، آنان را به حفظ شریعت و رعایت حرمت آن و التزام به ادب فراخوانده، بی‌اعتنایان به شرع را اهل هوا و بدعت می‌شمرد. او بر این باور است که اگر کسی کاری کند و در آن حرمت شریعت و ادب را نگاه ندارد، «در آن هیچ فایده نباشد، نماید ولیکن نپاید؛ چنان که حق -سبحانه و تعالی- می‌گوید كَسْرَابٍ بِقَيْعَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّمَانُ مَاءً حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ سَائِبًا» (احمد جام، ۱۳۷۳: ۱۸۶). بنا بر نظر مفسران، این آیه بیان حال و وصف اعمال کفار است که با وجود اعمال به ظاهر نیکویشان (همچون صله رحم، سقایه الحاج، اطعام فقرا و...)، حق را -که دین اسلام است- می‌پوشانند و به خدا و رسول نمی‌گروند (کاشانی، ۱۳۴۶: ج ۶/ ۳۲۴؛ میبیدی، ج ۲/ ۲۵۴؛ ابی‌السعود: ج ۱۴۱۱: ج ۶/ ۱۸۰). پیر هرات آن را بر عموم مؤمنان اطلاق می‌کند (میبیدی، ۱۳۶۱: ج ۶/ ۵۲۸). با این حال، شیخ جام قاعده آن را بر کسانی که به آداب و سنت و شرع واقعی نمی‌نهند، جاری می‌کند.

تربیت نفس

مصنف با استناد به حدیثی از پیامبر (ص) در فضیلت علم، همه کارها را به علم ارجمند دانسته و بر این پایه یکی از شرایط تائب را رنج و ریاضت در راه علم‌آموزی بر شمرده‌است. او با اقتباس از آیات ۴۰ و ۴۱ سوره نازعات در نهی از متابعت نفس می‌نویسد: «مرد که مرد شود به ریاضت شود، و ریاضت قهر هوا بود و حق -تعالی- ما را به قهر هوا فرمود آن‌جا که گفت وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ» (احمد جام، ۱۳۷۳: ۱۱۱).

به گفته احمد جام، قرآن کریم تن‌هواخواه را که علم دارد و بدان عمل نمی‌کند، به سگ مانند می‌کند. از این روی شیخ با توصیه به قهر نفس و ریاضت، مجاهدت را سگبانی می‌داند. در این باب با اشاره به آیه شریفه «وَأَتَّبَعْ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ» (اعراف: ۱۷۶)، حکایتی خواندنی و با رویکردی ترغیب‌آمیز در تعلیم و تربیت سگ نفس می‌آورد:



چون سگوانی سگ پلید را ریاضت دهد، روزی چند سگ امیرش خوانند و روز شکار به تماشای او بروند و امیر در شکارگاه به سوی او نگرده... و خطای او را به صواب بگیرند و اگر صید را در نیابد، عذر او باز خواهند و اگر صید را بیابد و بگیرد، نواخت سلطان یابد و سگوان را خلعت بر سر نهند و تا زنده باشد خاصگان خود را فرا خدمت وی کند، و چون غایب باشد هر زمانش یاد کند... چون سگی که پلیدترین سباع بود بدین قدر علم چندین مزید یافت از نواخت سلطان، [پس] مؤمن موحد که عزیزترین همه خلق است توبه کند و هوای خویش قهر کند و مجاهدت علم و عبادت بکشد، کی روا باشد که حق - سبحانه و تعالی - او را از دریای لطف و کرم خود بی بهره گذارد (احمد جام، ۱۳۷۳: ۱۱۲).

با آن که مفسران در تعیین شخصیت این داستان، اقوال مختلفی دارند و آیه کریمه هم بدون ذکر نام او به بیان اجمالی از داستان وی اکتفا نموده‌است، با این حال، غالب مفسران آیه مذکور را در احوال یکی از علمای بنی‌اسرائیل، بلعم باعورا، شمرده و به داستان وی اشاره‌ای نموده‌اند (زمخشری، ۱۳۸۹: ج ۷۸۷/۳؛ الالوسی البغدادی، ۱۴۰۵هـ - ۱۹۸۵م: ۱۱۱؛ طباطبایی، ۱۳۶۶: ج ۴۹۳/۸). این در صورتی است که شیخ، با آن که به طور مکرر (سه مرتبه) به آیه اشاره می‌کند، دریافتی کلی از آیه ارائه می‌دهد و آن را بر هر پیروی‌کننده هوا و هوس عمومیت می‌بخشد: «حق - عزّ و جلّ - آن را که علم دانست و به علم کار نکرد و کار به هوا کرد گفت: فَمَثَلُهُ...» (احمد جام، ۱۳۷۳: ۱۱۱). نگاه و نگرش تأویلی احمد جام به آیه پس از این گزارش آغاز می‌شود. این گونه کاربرد و بهره‌گیری از آیه مذکور، رنگ و نمایی عرفانی و تأویلی به کلام و بیان مصنف بخشیده‌است. عرفا و صوفیه از گروه‌هایی به شمار می‌روند که به تأویل توجه دارند. مهم‌ترین موارد تأویل در متون متصوفه آیات قرآن است که به شکل‌های مختلف کاربرد دارد. این تأویلات گاه بر پایه مفهوم کلی آیه است و گاه یک آیه را از چند وجه می‌نگرند. در برخی موارد نویسنده ابتدا مفهومی را بیان می‌کند و سپس مطلب خود را به آیتی از قرآن مستند می‌سازد که آن مطلب در حکم برداشت تأویلی از آیه است (غلامرضایی، ۱۳۸۸: ۲۷۵). مورد اخیر در تصنیف احمد جام کاربرد فراوان دارد.

شیخ جام در کاربرد ترکیب «سگ نفس» متأثر از مشایخ متقدم از جمله هجویری بوده‌است (هجویری، ۱۳۸۳: ۳۱۱ و ۳۰۹). چنین به نظر می‌آید این که عارفان و از جمله احمد جام نفس را به «سگ» مانند کرده‌اند، برگرفته از همین آیه قرآن (اعراف: ۱۷۶) باشد.

زبان عارفان زبان سرّ و اشارت است و به گفته ابونصر سراج «اگر اشارت زبان معرفت است، عبارت زبان علم است» (سراج طوسی، ۱۳۸۲: ۳۷۷). سمعانی زبان علم را زبان اهل شریعت و زبان سرّ را زبان تأویل اطلاق می‌کند (سمعانی، ۱۳۶۸: ۱۲۳). بر این پایه، زبان اهل دل و عرفان به تأویل و رمز می‌گراید. اما احمد جام هم به زبان سرّ سخن می‌گوید و هم به زبان علم و شرع. زبان دین و شرع هم به نوعی زبانی شاعرانه است که می‌خواهد با



و سعت بخشی به معنای کلمات از طریق استعاره و یا خاصیت چندمعنایی، روح و حیاتی دوباره به آن‌ها ببخشد. زبان دینی، بر خلاف زبان علمی که با یک ارجاع عینی و حقیقی روبه‌روست، به فراخور ماهیت شاعرانه‌اش و سعت معنایی کلمه را افزایش می‌دهد (مشرف، ۱۳۸۴: ۱۲۱). از سوی دیگر، می‌توان محور اصلی تأویلات جریان‌های مختلف تأویلی را سه چیز دانست: خدا، انسان و جهان. مسایل مربوط به جهان خلقت و معرفت خداوند، محور تأویلات صوفیه و عرفا و فلاسفه قرار می‌گیرد (شاکر، ۱۳۷۶: ۶۲).

ترک دنیا دوستی

از دیدگاه احمد جام برای انجام هر کار حتی مباح، باید دلیل و حجتی داشت؛ چرا که معتقد است انسان نسبت به هریک از اعمال جزئی و کلی خویش مسؤول است و «به هر نفسی و چشم‌زخمی که بنده برهم زند، از وی در خواهند خواست که چرا نگریستی و بدین نگریستن چه خواستی» (احمد جام، ۱۳۷۳: ۱۴۳). وی پس از بیان این نکته پرداختن به امور دنیا را برای انسان مسلم دانسته است. شیخ با تأمل در آیه ۱۴ شریفه آل عمران که در آن از حبّ و دوستی زینت‌های دنیوی، چون ثروت و مال و زن و زر و فرزند و دل‌بند سخن رفته است، با دعوت خواننده به تأمل در واژه «حبّ»، دنیا دوستی را مذمت کرده و اشکال را در حبّ و دل‌بستگی به آن چیز دانسته است: «...این چیزها را به ذات خویش، هیچ عیب نیست. عیب، حبّ‌الشهوات را آمد، نه عین آن چیز... دنیا را و کسب دنیا را حرام نکردند، بلکه دوستی دنیا و کار حق - تعالی - به سر آن دادن حرام است...» (احمد جام، ۱۳۷۳: ۱۴۶). وی پس از ذکر حکایتی در مذمت حبّ دنیا، این موضوع را در چند جای دیگر مکرر آورده و نتیجه گرفته است که: «پس درست شد که نه زر و سیم است که می‌زیان دارد، بلکه دوستی آن است و حبّ‌الشهوات که می‌زیان دارد» (احمد جام، ۱۳۷۳: ۱۴۷). بنابراین، پس از بیان احادیث و روایاتی در سبب رحمت بودن دنیا (همان: ۱۴۹) فرمان‌برداری از حق و ریاضت نفس را در مخالفت با هوای نفس در همه وقت بر شمرده است نه بسیاری نماز و روزه، و در نهایت به همان مبحث آغاز فصل یعنی انجام هر کار با حجت و دلیل تأکید ورزیده است تا معیار راستی و درستی اعمال را به مخاطب بنمایاند (همان: ۱۵۱-۱۵۳).

پرهیز از سماع صوفی‌نمایان و سرودخوانان

احمد جام در باب ششم *مفتاح النجات* با نگرشی بسیار مشفقانه و از سر سوز و گداز از مخاطب می‌خواهد تا به راه انبیا و مقامات اولیای الهی به خصوص پیامبر اکرم (ص) روی بیاورد و به نصایح برادرانه او گوش بسپارد و فریب‌های و هوی مدعیان طریقت و صوفی‌نمایان دیوسیرت را نخورد:

ای دوستان و عزیزان، نصیحت برادر خویش نگاه دارید و به هر رسن در چاه نشوید که در چاه هاویه بمانید که سود ندارد... مکنید ای دوستان و عزیزان من و برادران من، که شما را در این راه بس تجربه نیفتاده باشد... این کار بدین راست نیاید که کسی از سر دعوی خویش نعره‌ای بزند و یا در میان حلقه



درویشان آستین برافشانند و... عا و عویی بکند و یا کخ کخی چند بکند؛ این هرگز نه رسول کرده‌است صلوات‌الله علیه و سلم و نه صحابه او (احمدجام، ۱۳۷۳: ۱۵۷-۱۵۸).

بر این شیوه و در ادامه با گزارشی از آیات مبنی بر اهمیت تلاوت قرآن کریم و اخبار در این باره به نقد احوال سرودخوانانی روی آورده که هوای نفس آنان بر عقل و علمشان غلبه کرده، سرود رخ و زلف و خال محبوب می‌گویند (احمد جام، ۱۳۷۳: ۱۶۶-۱۶۹). با این حال، شیخ با آوردن گفتار پیامبر اسلام (ص) با تأکید بر جنبه توحیدی و حکمی اشعار مخالفت تام خود را در تقابل با شعرگویی رد می‌کند؛ همچنان که با تمایز میان سماع درویشان با سماع مفسدان، به مواظبت انسان در فرمان‌برداری و تبعیت از شریعت مقدس نبوی از جمله تفویض، تسلیم، قناعت، تلاوت قرآن، پرهیز از بدی، راست‌کاری و راست‌کرداری و... التزام مبرم دارد تا آن‌که:

او را محبت غالب پیدا آید که همه، او را ببیند آن‌گاه سماع این ابیات او را مسلّم گردد، اگر داند که چه می‌شنود؛ اما اگر این سخن بر دام بندد و زندیقی خویش در آن میان تعبیه کند، بنگر اگر دنیا را دوست می‌دارد، همه زرق و دروغ و نفاق است و همه حالش محال است؛ و اگر در دل حبّ دنیا ندارد و به قسمت قسّام قانع است و از گفتار و کردار تو فارغ، خاک پای وی باش و سرمه چشم کن که هنوز ارزد (همان: ۱۶۵).

هم‌نشینی با نیکان

احمد جام در اهمیت و تأثیر انتخاب مصاحب نیک، تعالیم ارزنده‌ای را در پرتو آیات قرآن به مخاطب ارایه نموده‌است. به عقیده وی انسان، ناگزیر از هم‌نفسی است؛ لذا نشست و خاست با مردان خدایی که صبغه الهی دارند و قرابت با یاران نیک سیرت سعادت دو جهانی در بر دارد (احمد جام، ۱۳۷۳: ۱۸۸-۱۸۶). وی با استشهاد به آیات قرآن برای انسان دو نوع دوست و هم‌نشین را تعریف نموده و با عنوان «قرین بد» (زخرف: ۳۸) و «قرین نیک» (کهف: ۲۲) از آن نام برده‌است. در این میان، تنها به تبیین مصاحب نیک با عنایت به آیه مذکور در سوره کهف، به هم‌نشینی سگی با اصحاب کهف اشاره داشته‌است: «بنگر که به سبب او یقین ایشان یکی ده شد، و هر کجا که حق -تعالی- ایشان را یاد کرد، آن سگ را با ایشان یاد کرد؛ چنان که می‌فرماید: سَيَقُولُونَ ثَلَاثَةً رَّابِعُهُمْ كَلْبُهُمْ وَيَقُولُونَ خَمْسَةٌ سَادِسُهُمْ كَلْبُهُمْ...» (احمد جام، ۱۳۷۳: ۱۸۸). این مطلب متضمن آن است که چون سگ با اصحاب کهف قرین و هم‌نشین شد، چنان ارزش یافت که خداوند متعال از او به نیکی یاد کرد.

بدین‌سان، احمد جام در این اثر بر آن بوده تا با بهره‌گیری از کلام و حیانی و اخبار و روایات در تربیت نفوس

مستعد انسانی اهتمام ورزد.



نتیجه

مفتاح النجات احمد جام مشتمل بر آیات فراوانی از قرآن کریم است که به طریق تضمین و اقتباس و با هدف تعلیم و ارشاد مخاطبان تصنیف شده است. نویسنده معارف و آموزه‌های قرآنی و دینی را به طریق سهل و ساده و به دور از اصطلاحات و تعابیر عرفانی برای مخاطب و در جهت تربیت نفوس انسانی بیان می‌کند؛ با این و صف، گاه اندیشه‌های خاص خود را - که ریشه در گرایش‌های عقیدتی و باورهای کلامی وی دارد - نیز در پرتو همین آموزه‌ها و تعالیم اخلاقی به مخاطب القا می‌کند. سخنان او در این اثر بیش از هر چیز صبغۀ تربیتی و عمل‌گرایانه برای مخاطبان و عوام دارد تا آن‌که متمایل باشد خواص را با بحث‌های نظری به چالش بکشد. توجه به آیات بشارت و امیدبخش به جهت ترغیب و هدایت خواننده به شریعت و التزام بدان، برپایی نماز در اول وقت، تلاوت قرآن کریم، ترک حبّ دنیا، مجالست با نیکان، تهذیب نفس از تعالیم ارزشمندی است که در پرتو توبۀ نصوح برای رهروان وادی سیر و سلوک در کتاب **مفتاح النجات** سایه افکنده است. از این روی، لحن سخن بر خلاف آن‌گونه که با مدعیان مردم‌فریب و دزدان دین تند و قاطع و همراه با طعن و طنز است با مخاطبان عوام، آرام، مؤدبانه و مشفقانه و متأثر از ادب قرآن است.



فهرست منابع

- (۱۳۷۹). قرآن مجید. ترجمه محمد مهدی فولادوند، چاپ اول، قم، دارالقرآن الکریم.
- الاکوسی البغدادی، السید محمود شکری. (۱۴۰۵هـ-۱۹۸۵م) *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی*، الجزء التاسع، الطبعة الرابعة، بیروت: اداره الطباعة المنيرية.
- ابن عباس (بی تا). *تنویر المقباس من تفسیر ابن عباس*، تهران: استقلال.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر. (۱۴۰۷). *تفسیر القرآن العظیم*، قدم له: یوسف عبدالرحمن مرعشلی، بیروت: دارالمعرفة بیروت.
- ابی السعود، محمد بن محمد العمادی. (۱۴۱۱هـ-۱۹۹۰م) *تفسیر ابی السعود المسمی ارشاد العقل السلیم الی مزیای القرآن الکریم*، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.
- احمد جام. (۱۳۷۳) *مفتاح النجات*. تصحیح، تحشیه و مقدمه: علی فاضل، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- بهمنی مطلق، یدالله؛ خدادادی، محمد، (۱۳۸۹) «تحلیل افکار و معرفی آثار شیخ احمد جام»، فصلنامه تخصصی عرفان، سال ششم، شماره ۲۴: ۱۱۵-۱۳۶.
- پورنامداریان، تقی؛ رستاد، الهام. (۱۳۹۲) «بررسی و تحلیل کاربرد آیات و احادیث در شرح شطحیات روزبهان بقلی»، متن پژوهی ادبی، زمستان، شماره ۵۸: ۷-۲۸.
- حاجی محمدی، محمود؛ سرّامی، قدمعلی. (۱۳۹۳) «رویگرد تأویل گرایانه عرفا به قرآن و احادیث»، فصلنامه تخصصی عرفان اسلامی، بهار، سال ۱۰، شماره ۳۹: ۹۷-۱۳۱.
- خدیور، هادی؛ خدادادی، محمد. (۱۳۹۱) «جایگاه لغات عربی و واژگان کهن و برخی ترکیبات زیبای قدیم در نثر عرفانی شیخ احمد جام»، فصلنامه علمی - پژوهشی زبان و ادب فارسی «ادب و عرفان»، دوره ۴، شماره ۱۳: ۱۱-۳۰.
- خمینی، روح الله. (۱۳۷۸) *سر الصلاة (معراج السالکین و صلاة العارفين)*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۹۳). *جستجو در تصوف ایران*، تهران: امیر کبیر.
- زمخشری، محمود بن عمر. (۱۳۸۹). *الکشاف عن حقایق التنزیل*، ترجمه مسعود انصاری، تهران: ققنوس.
- سراج طوسی، ابونصر. (۱۳۸۲) *اللمع فی التصوف*، تصحیح و تحشیه: رینولد آلن نیکلسون، ترجمه مهدی محبتی، تهران: اساطیر.



- سمعانی، شهاب‌الدین احمد. (۱۳۶۸) روح‌الارواح، فی شرح اسماء‌الملك الفتاح، تصحیح: نجیب مایل هروی، تهران: علمی و فرهنگی.
- سورآبادی، عتیق بن محمد. (۱۳۸۱). تفسیر سورآبادی «تفسیر التفاسیر»، تصحیح علی اکبر سعیدی سیرجانی، تهران: نشر نو.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر. (۱۳۸۲) الاتقان فی علوم القرآن، ترجمه مهدی حائری قزوینی، تهران: امیرکبیر.
- (۱۴۰۴) الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، المجلد الثالث و الخامس، قم: منشورات مکتبه آیه الله العظمی مرعشی النجفی.
- شاکر، محمد کاظم. (۱۳۷۶) روش‌های تأویل قرآن، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، مرکز انتشارات. شفیع کدکنی، محمدرضا. (۱۳۹۳) درویش ستیهنده (از میراث عرفانی شیخ جام)، تهران: سخن.
- طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۳۶۶) تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، تهران: نشر بنیاد علمی و فرهنگی علامه طباطبایی (با همکاری مرکز نشر فرهنگی رجا).
- (۱۳۸۵) تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه، دفتر انتشارات اسلامی.
- عین‌القضات همدانی، محمد بن حسن. (۱۳۷۰) تمهیدات، مقدمه، تصحیح، تعلیق و تحشیه: عقیف عسیران، تهران: منوچهری.
- غلام‌زایی، محمد. (۱۳۸۸) سبک‌شناسی نثرهای صوفیانه از قرن پنجم تا اوایل قرن هشتم (کلیات)، تهران: دانشگاه شهید بهشتی مرکز چاپ و انتشارات.
- فاضل، علی (۱۳۷۳) شرح احوال و نقد و تحلیل آثار احمد جام، تهران: توس.
- الفیض الکاظمی، محمد محسن. (۱۴۰۲) تفسیر الصافی فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات. کاشانی، فتح‌الله. (۱۳۴۶) تفسیر کبیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، مقدمه و تصحیح ابوالحسن شعرانی، علی اکبر غفاری، تهران: کتابفروشی اسلامی.
- مدنی، امیر حسین. (۱۳۹۳) «شباهت‌های عرفانی آثار احمد جام با شش اثر عرفانی پیش از خود و رد نظریه امی بودن وی»، کهن‌نامه ادب پارسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ۵، شماره ۴، زمستان: ۱۲۳-۱۴۱.
- مدنی، امیر حسین، (۱۳۹۱) بررسی آثار و اندیشه‌های شیخ احمد جام، رساله دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه یزد، راهنما: محمد کاظم کهدویی، مهدی ملک‌ثابت، دانشگاه یزد.
- مشرف، مریم. (۱۳۸۴) نشانه‌شناسی تفسیر عرفانی، تهران: ثالث.



مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۴) تفسیر نمونه (تفسیر و بررسی تازه‌ای درباره قرآن مجید ...)، با همکاری جمعی از نویسندگان، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

موحدی، محمدرضا. (۱۳۷۴) «معارف و تعالیم صوفیه»، کلک، شماره ۶۷: ۳۴۷-۳۴۹.

میبدی، ابوالفضل رشیدالدین. (۱۳۶۱) کشف الاسرار و عدة الابرار، به اهتمام علی اصغر حکمت، تهران: امیرکبیر.

هجویری، علی بن عثمان. (۱۳۸۳) کشف المحجوب، مقدمه و تصحیح و تعلیق: محمود عابدی، تهران: سروش.

فصلنامه تخصصی زبان و ادبیات فارسی



*Quranic Approaches of Ahmad Jam in Education Emphasizing on the book of,
Meftah-al-Najat*

Reihane sadeqi¹

DR abbas mohammadian²

Abstract

This research is devoted to the Qur'anic attitudes of Ahmad Jam Namaghi (440-536) in education in accordance with Meftah-al-Najat. This paper, with an analytical-descriptive method, begins with a fresh look at the introduction of the other aspect of this ancient mystical work. The abundant use of the verses of the Quran in the text implies Ahmad Jam's unbreakable connection to the Holy Qur'an and its implication. This article seeks to present the religious teachings and education of Ahmad Jam to express the Qur'anic interpretations and approaches of the Sheikh concerning the related points. The result of the research is that the author intends to express the Quranic and religious teachings in a simple way, without the mystical expressions that can be understood by a particular group. While sometimes he makes specific interpretations of the verses that contain his own reflections, thus inducing his thoughts in the context of these cultural teachings and religious teachings, as if occasionally he would force him to accept his words. Following adherence to the Prophetic Shari'a, praying, reading the Holy Qur'an, leaving the friendship of the world, companionship with good people and Self-purification are the most valuable teachings that have been used in the book of the Meftah-al-Najat, in the light of pure purity for the paths of worshippers.

Key words: Meftah-al-Najat, Ahmad Jam, Holy Quran, education.

¹. Ph.D. student of persian language and literature of Hakim Sabzevari University . // roohafza90@yahoo.com .

². Assistant Professor of Hakim Sabzevari University.// mohammadian@hsu.ac.ir .